

تربیت کار سختی نیست!

■ الهام اعتمادی، مدیر دبستان دخترانه دوره اول، ناحیه ۲



الهام اعتمادی مدرک کارشناسی رشته ریاضی از دانشگاه یزد و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دانشگاه آزاد یزد دارد.

مدرس روش تدریس کتاب ریاضی پایه چهارم به آموزگاران ابتدایی و مدرس استانی روش تدریس کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم در سال‌های گذشته بوده است. وی هفده سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارد که ده سال را با جوادالائمه (ع) همکاری داشته و چهار سال است که سمت مدیریت مجتمع را دارد.

اغلب والدین دغدغه‌شان این است که چه کارهایی انجام دهند تا حال بچه‌هایشان خوب باشد. در این راستا بیشتر به این می‌اندیشند که چه کارها و نظارت‌هایی انجام دهند، چه کلاس‌هایی برایشان تدارک ببینند، چه پیشنهادهایی به مدرسه بدهند یا چه تذکرات و توصیه‌هایی به فرزند خود یا دوستانش ارائه دهند؛ اما به واقع چه باید کرد تا بتوانیم فرزندانمان را با حال خوب پرورش دهیم؟

تجربه زیسته من به عنوان یک والد در وهله اول و یک مدیر و معلم در وهله بعد می‌گوید اجازه دهیم بچه‌ها خودشان حرف بزنند و اقدام کنند و ما بشنویم و ببینیم و فقط تسهیلگر و راهنما باشیم. ساده پنداشتن بسیاری از مسائل بهترین راه کنار آمدن با آن‌هاست. بدانیم که بچه‌ها آنی نمی‌شوند که ما آرزو داریم؛ بلکه آنی می‌شوند که ما با رفتارمان به آن‌ها نشان می‌دهیم.

ما گاهی اجازه بزرگ شدن به بچه‌هایمان را نمی‌دهیم. اجازه نمی‌دهیم پاسخ‌گوی اشتباهات خود باشند، کم‌کاری خود را جبران کنند یا زمانی که قصوری داشتند،

معذرت خواهی کنند. این قدر نگران جبران کاستی‌هایشان هستیم، غافل می‌شویم از اینکه گاهی همین کمبودها باعث رشدشان می‌شود و این کاستی‌ها به بچه‌ها قدرت و انگیزه تلاش می‌دهد؛ اما به شرطی که کمبود را به صورت نقطه ضعف نمایان و برجسته نکنیم، راه کنار آمدن با شرایط موجود را با رفتارمان به او یاد دهیم تا بداند اولین کسی نیست

که با مشکلی روبه‌رو شده است و آخرین نفر هم نخواهد بود. اگر از زمین خوردن فرزندمان می‌ترسیم، با غلبه بر ترس خود، او را به فردی قوی تبدیل کنیم؛ چون قرار نیست در جامعه برای او فرش قرمز پهن کنند. او باید با نیش زبان، حرف

بد و ناسزا روبه‌رو شود و مسائل را حل کند، پس حرف بچه‌ها را خوب بشنوید و با دقت تحلیل و بررسی کنید تا زمانی که شما هم حرفی برای گفتن داشتید، آن‌ها با جان و دل بپذیرا باشند.

فرصت تجربه فعالیت‌های جانبی و مهارتی را به بچه‌ها بدهیم. به جای ترس از عقب ماندگی مطالب درسی، هنگام ورزش یا فعالیت‌های هنری، باید به او مدیریت زمان را یاد دهیم؛ زیرا کلاس ورزش و هنر آرام‌بخش‌ترین فعالیت در لحظات

استرس‌زای درسی و امتحانی خواهد شد که خود باعث پرورش اعتماد به نفس می‌شود. در نتیجه در درس‌ها هم متمرکزتر و موفق‌تر عمل خواهد کرد.

در مورد برنامه‌هایی که قرار است داشته باشد با او مشورت و انتظارات خود را بیان کنیم؛ مثلاً در مورد نحوه شرکت در یک کلاس به فرزندمان یادآور شویم که در ازای ثبت نام او در این کلاس، هزینه و وقت زیادی صرف شده است،

پس او هم باید به وظیفه و تعهد خود آشنا و به آن عامل باشد. اختصاص مبلغ مشخص برای نیازمندان، اجازه تقسیم صبحانه با دوستی که صبحانه ندارد، گذاشتن یک شکلات

اضافی در کیف برای ایجاد دوستی و یادآوری به او که در حضور کودک فقیری بستنی نخورد یا با اهدای یک بستنی به هم نوع خود، هر دو آن مرزه شیرین را تجربه کنند. با چنین اقداماتی فرزندی با رحم و مروت بزرگ خواهیم کرد که خودش مراقبت از ما، دیگران و یاری رساندن به هم نوع را یاد خواهد گرفت و در عمق وجودش ماندگار خواهد شد.

یادمان باشد در پس هر ناامیدی امید است، پس نباید نگران محرومیت برخی از بچه‌ها باشیم. در عوض آن‌ها را درک و با آن‌ها همدلی کنیم و اجازه دهیم خودشان موقعیت‌های پیش رو را بدون مداخله ناصحیح ما والدین مدیریت کنند. چه بسا ورزشکاری که در فقدان پدرش در جشنواره ورزشی پدر و پسر شرکت کرده، خودش به تنهایی روی صندلی نشسته و صبوری کرده که در پس این صبر، جوانی پرتلاش و مصمم تربیت شده است.

پس به بچه‌ها اجازه دهیم خودشان با جسارت حرف بزنند، احترام بگذارند، معذرت بخواهند، شکست را تجربه کنند و تاوان کوتاهی در عملی را بپردازند. ما هم به عنوان والد، شاکر، قدردان، پرتلاش، راستگو، با انگیزه و هدفمند زندگی کنیم و با مسائل و مشکلات به آرامی برخورد کنیم. بدین‌گونه فرزندی که در کنار ما رشد می‌کند انسانی منطقی، جسور، شجاع و خاص خواهد شد و شاهد رسیدن او به سعادت خواهیم بود. ■

ما گاهی اجازه بزرگ شدن به بچه‌هایمان را نمی‌دهیم

یادمان باشد در پس هر ناامیدی امید است، پس نباید نگران محرومیت برخی از بچه‌ها باشیم. در عوض آن‌ها را درک و با آن‌ها همدلی کنیم و اجازه دهیم خودشان موقعیت‌های پیش رو را بدون مداخله ناصحیح ما والدین مدیریت کنند.

اجازه دهیم بچه‌ها خودشان حرف بزنند و اقدام کنند و ما بشنویم و ببینیم و فقط تسهیلگر و راهنما باشیم.